



طلاق، رنگ و بوی فرنگی گرفته!

این روزها دیگر «طلاق» زشت‌ترین و بدترین کار حلال نیست چراکه اگر سری به دادگاه‌های خانواده بزنیم به‌خوبی می‌توانیم شاهد از بین رفتن قبح واژه طلاق بین زوج‌های جوان باشیم.

این روزها دیگر «طلاق» زشت‌ترین و بدترین کار حلال نیست چراکه اگر سری به دادگاه‌های خانواده بزنیم به‌خوبی می‌توانیم شاهد از بین رفتن قبح واژه طلاق بین زوج‌های جوان باشیم. انگار گذشت زمان توانسته است معانی برخی واژه‌ها را تغییر دهد یا از قبیح بودن آن در نزد افکار عمومی کم کند. مصداق بارز این گفتار جوانانی هستند که پرونده به دست اتاق‌های دادگاه و دادسراها را پایین و بالا می‌کنند تا نام خود را به آمار طلاق اضافه کنند.

به گزارش وطن امروز، این در حالی است که قدیمی‌ها همواره از طلاق به عنوان بدترین کار حلال یاد می‌کردند و از آوردن نام آن بر زبان هم پرهیز می‌کردند. بزرگ‌ترها هنوز هم معتقدند واژه «طلاق» شگون ندارد و با این کلمه همیشه دست به عصا برخورد می‌کنند اما انگار دیگر «طلاق» بدترین کار حلال نیست،

این روزها نه تنها شاهد ارائه آمارهای گوناگون و متأسفانه تلخ درباره طلاق در جامعه هستیم بلکه واژه‌ها و تعبیر تازه هم به این پدیده افزوده شده، واژه‌هایی مانند «طلاق توافقی، جشن طلاق و مواردی از این نمونه» که رنگ و بوی فرنگی داشته و دارد. جالب اینجاست که درست زمانی گوش ما با این واژه‌های ناملموس آشنا می‌شود که از نظر آمار طلاق هم وضعیت خوبی نداشته و ارقام وقوع طلاق وضعیت هشدارگونه‌ای را نمایان می‌کند، چرا که براساس آمار موجود در هر ساعت 16 طلاق در کشور به ثبت می‌رسد.

زنگ هشدار طلاق

آیا به ذهن بدبین‌ترین ایرانی هم خطور می‌کرد که تناسب آماری ازدواج و طلاق این‌قدر به هم نزدیک شود؟ فرهنگی که طلاق را بدترین امر می‌دانست چگونه به جایی رسید که طلاق نسبت به ازدواج سیر صعودی پیدا کند؟ در ایران امروز و البته بیشتر در مناطق شهری باید زنگ هشدار طلاق را به صدا درآورد. در گذشته زن با لباس سفید به خانه بخت می‌رفت و با کفن خارج می‌شد، اما امروز دیگر اینگونه نیست و طلاق قباحیت خود را در جامعه از دست داده است.

زوج‌های جوان در نوک خط حمله

براساس آمارهای موجود و رسمی، بیشتر طلاق‌ها در ۲ تا ۳ سال اول زندگی مشترک رخ می‌دهد و در سال‌های بعدی زندگی واقع طلاق به مراتب کمتر اتفاق می‌افتد. این درحالی است که احمد تویسرکانی، معاون قوه قضائیه در آذرماه سال گذشته همزمان هم نسبت به کاهش آمار ازدواج در کشور هشدار داد و هم هشدار جدی به زوج‌های جوان در رابطه با سیر صعودی آمار طلاق در کشور عنوان کرد.

آمار شهادت می‌دهد

به نظر می‌رسد این هشدارها را باید جدی گرفت چرا که محمد ناظمی‌اردکانی رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور هم در نخستین نشست خبری خود در سال 93، از کاهش 4/4 درصدی ازدواج در سال 92 و افزایش 4/6 درصدی طلاق در این سال نسبت به سال گذشته خبر داد. به دنبال این موضوع دیگر جای شک و گمان باقی نمانده و از زبان همین اعداد و ارقام می‌توان به‌خوبی متوجه شد که از نظر وضعیت طلاق کجای جدول ایستاده‌ایم.

متولی خانواده کیست؟

اما در واکاوی عوامل و دلایل بالا رفتن نمودار طلاق نظرها و عقیده‌های گوناگونی بین کارشناسان وجود دارد. علی مظفری نایب‌رئیس کانون سردفتران ازدواج و طلاق، معتقد است که «نگاه به مسائل باید کارشناسی شده باشد و بر این لزوم تأکید دارد که باید نهاد خانواده متولی خاصی داشته باشد. این متولی خاص می‌تواند در وزارت ورزش و جوانان تشکیل شود.» به‌راستی آیا جای این نهاد خاص در کشور ما خالی است؟ وی درباره علل طلاق سه دلیل را عنوان می‌کند که مهم‌ترین آن مسائل و

مشکلات اقتصادی است. به باور مظفری، مسائل فرهنگی و اجتماعی و مسائل اعتقادی دو ضلع دیگر مثلث طلاق هستند.

توسعه طلاق؛ توسعه جامعه

البته در آن سوی ماجرا برخی جامعه‌شناسان افزایش آمار طلاق را روندی طبیعی در جوامع در حال گذار و نشانه‌ای از حرکت جامعه به سمت توسعه‌یافتگی می‌دانند و معتقدند نیازی به ورود دولت به این مقوله برای کاهش آمار یا پیشگیری از آن نیست چرا که افزایش طلاق معلول تغییرات اجتماعی و فرهنگی در سبک زندگی افراد بوده که با گذشتن جامعه از دوره گذار به مرور کاهش پیدا خواهد کرد و نمی‌توان برای آن مداخله‌گری کرد.

پیشتازی طلاق توافقی

اما مهدی وارسته، کارشناس امور اجتماعی و خانواده در این باره می‌گوید: بیشتر طلاق‌های رخ داده در کشور توافقی است و میانگین سن طلاق در کشور بین ۲۲ تا ۳۸ سال است. به گفته وارسته، از مهم‌ترین دلایل طلاق می‌توان به اعتیاد و بیکاری جوانان اشاره کرد. مشکل کجاست؟

با توجه به جمع‌بندی نظر کارشناسان به نظر می‌رسد نه تنها مشکل به‌طور کامل شناخته شده، بلکه راهکارهای خروج از این بحران نیز ارائه شده است. پس به واقع چرا هیچ اقدام مثبت و مؤثری در این زمینه انجام نمی‌شود؟ متأسفانه در حال حاضر طلاق در جامعه مد شده و هر روز واژه‌های تازه‌ای به آن اضافه می‌شود در حالی‌که در گذشته یک ننگ محسوب می‌شد و درست به همین دلیل باید احساس خطر بیشتری کنیم.